

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری 1؛ بررسی احتمالات عنوان «احسن عمل» در دومین آیه شریفه سوره مبارکه ملک

در آیه شریفه سوره ملک «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (الملك 2)» بحث در این آیه بود که نکاتی را بیان کردیم و رسیدیم به این عنوان «أَحْسَنُ عَمَلًا».

یادآوری 2؛ نظر مختار: بنابر قرینه «إِلَّا لِيَعْبُدُونَ» و مجموع روایات وارده، احتمالاً خداوند احسن الاعمال را در دایره عبادات اراده فرموده باشند

در این «أَحْسَنُ عَمَلًا» ما به این نتیجه رسیدیم که حالا به عنوان اینکه يك احتمال است که «أَحْسَنُ عَمَلًا» در نزد خدای تبارک و تعالی فقط عبادت باشد، به قرینه آن آیاتی که می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (الذاریات 56)»، این «أَحْسَنُ عَمَلًا» را بگوئیم عبادت مصداق اعلاي آن و مصداق بارز او است و مقصودمان این بود که این چنین نیست که حالا در امور واحدهی دنیوی، در این امور بگوئیم این احسن عملای از دیگری است، حالا اگر يك کسی تجارت می کند، و تجارتش خیلی بهتر از دیگری است یعنی منظم تر و دقیق تر است، این از مصادیق آیه نیست و یا اگر يك کسی به يك کاری از این امور دنیوی مشغول است، آن کار هم فی نفسه کار خوبی است، اما نمی توانیم بگوئیم که این «أَحْسَنُ عَمَلًا» است، حالا کسی تلاش می کند، دیگری هم نشسته و کاری نمی کند بگوئیم این «أَحْسَنُ عَمَلًا» است، با آن توضیحاتی که در جلسه ی گذشته عرض کردیم اینها مراد نیست باید يك مصادیق خیلی مهمی باشد و ابرز این مصادیقش عبارت از عبادت است، «أَحْسَنُ عَمَلًا» یعنی چه کسی «احسن عبادة» است؟ و چه کسی عبادتش بیش از دیگری است؟ ما این را از مجموع بعضی روایات استفاده کردیم.

مویدات روایی نظر مختار؛

حالا در ذیل این آیه شریفه روایاتی دارد که بعضی از این روایات عرض ما را تأیید می کند و بعضی هم دایره را وسیع تر از این قرار داده؛ مثلاً:

پیامبر اکرم (ص): عمل حسن، حسن العقل، ورع از محارم الهی و سرعت در طاعة الله است

1. در این روایت که در جلد 57 بحار الانوار صفحه 223 باب الاخلاص و معنی قوله تعالی «وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ تَلَا قَوْلَهُ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ إِلَى قَوْلِهِ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ثُمَّ قَالَ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَقْلاً وَ أَوْرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ أَسْرَعُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»، این فرمایش پیامبر که در ذیل این آیه است دو احتمال دارد؛

«احتمال اول»:

- یکم: این است که خود «أَحْسَنُ عَمَلًا» يك عنوانی است، پیامبر دو تا عنوان دیگر را اضافه فرموده یعنی بگوئیم که در آیه‌ی شریفه «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»، این يك غایت بوده که خدای تبارک و تعالی بیان فرموده اما دو تا غایت دیگر را پیامبر در این روایت اضافه کرده چون می‌فرماید: «ثُمَّ قَالَ»، بعد از اینکه این آیه را خواندند فرمودند «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَقْلًا» دوباره خود آیه را تکرار کردند

- دوم: «وَأَوْرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ»، این خلقت موت و حیات برای این است که خدا می‌گوید چه کسی ورعش در محارم الهی بیشتر است.

- سوم: «وَأَسْرَعُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ» یعنی چه کسی در اطاعت خدا بیشتر است، این يك احتمال. کسی در ذهنش نیاید که چطور می‌شود اینجا اضافه‌ای بشود، این اضافه نه اضافه‌ی بعنوان القرآن است، قرآن همان «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» است، منتهی پیامبر می‌خواهند بفرمایند این خلقت موت و حیات دو تا غایت دیگر هم دارد و منحصر به آن غایت نیست، مثل اینکه بگوئیم: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (عنکبوت 45)، بعد بگوئیم و «معراج المؤمن» و روایت را اضافه کنیم، اشکالی ندارد. این يك احتمال که به نظر می‌رسد این احتمال بعید نباشد.

«احتمال دوم»: این است که این «وَأَوْرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَأَسْرَعُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ» این عطف تفسیری برای «أَحْسَنُ عَمَلًا» باشد. پیامبر می‌خواهند بفرمایند که «أَحْسَنُ عَمَلًا» یعنی کسی که در کارهای حرام و رعش از دیگری بیشتر است، در محرمات الهی اورع است، سعی می‌کند که حتی الامکان نزدیک به حرام نشود و حتی نزدیک به شبهات هم نشود «وَأَسْرَعُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»، چه کسی در اطاعت خدا سرعتش بیشتر است، این «أَسْرَعُ» مراد این نیست که حالا فقط از حیث زمان چه کسی از نظر زمانی زودتر می‌رود برای انجام اطاعت الهی، بلکه «أَسْرَعُ» يك مقدار وسیع‌تر است، یعنی چه کسی تمام برنامه‌اش را تنظیم میکند، خودش را مهیا می‌کند، شرایطش را آماده می‌کند برای اطاعت خدا.

پس ببینید این روایتی که در ذیل این آیه‌ی شریفه آمده، اگر ما بگوئیم وجود مبارک پیامبر که این آیه را خواندند بعد فرمودند: «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَقْلًا وَ أَوْرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَأَسْرَعُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»، بگوئیم این دو تا عنوان دیگر را پیامبر اضافه فرموده، که این دیگر نتیجه‌اش این است که «أَحْسَنُ عَمَلًا» را معنا نکردند، دو تا غایت دیگر را ذکر کردند، اورعیت و أسرعیت. در نتیجه خلقت موج حیات سه تا غایت پیدا می‌کند،

اما احتمال دوم این است که بگویند این اورع و أسرع عطف تفسیری برای احسن عملا است، بیان برای او است، آن وقت نتیجه این می‌شود که عمل احسن این است که انسان در محرمات اورع باشد و در اطاعات اسرع باشد و این نزدیک به همان مطلبی است که ما از آیات استفاده کردیم، «أَحْسَنُ عَمَلًا» ربطی به این قول رایج و روزمره‌ی دنیوی ندارد، بلکه در همین دایره‌ی عبادت و بندگی خداست، عبادت به معنای اعمش می‌شود ترك حرام و انجام واجب که در این روایت به آن اشاره شده.

پیامبر اکرم (ص): حسن العمل همان تمامیت عقل و تمامیت عقل همان شدت خوف و اطاعت اوامر و اجتناب از نواهی الهی است

2. روایت دیگر؛ «قَالَ أَبُو قَتَادَةَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا مَا عَنَى بِهِ فَقَالَ يَقُولُ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَقْلًا ثُمَّ قَالَ ص أَتَمُّكُمْ عَقْلًا وَ أَشَدُّكُمْ لِلَّهِ خَوْفًا وَ أَحْسَنُكُمْ فِيمَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ نَهَى عَنْهُ نَظَرًا وَ إِنْ كَانَ أَقَلُّكُمْ تَطَوُّعًا» (بحارالانوار ج 67 ص : 233) «ابو قتاده نقل می‌کند از وجود مبارک پیامبر (ص)، از همین آیه شریفه سؤال کرده که مراد از «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» چیست؟ پیامبر فرموده «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَقْلًا»، مراد از این عمل عقل است، مراد عمل ظاهری نیست بلکه عمل عقلی و فکری است، بعد فرمود «أَتَمُّكُمْ عَقْلًا وَ أَشَدُّكُمْ لِلَّهِ خَوْفًا»، آن کسی عقلش تمام است که خوفش نسبت به خدا زیاد باشد، کسی که از خدا خوف ندارد ضعیف العقل است، هر چه عقل انسان قوی شود انسان پی به ضعف خودش می‌برد، هرچه عقل انسان فعال بشود انسان پی به قدرت و عظمت خدا می‌برد و خودش را هم می‌فهمد که چقدر ضعیف است و هر چه انسان

احساس ضعف کند خوفش بیشتر می‌شود. آن کسی که خوف ندارد چون احساس ضعف نمی‌کند و عظمت خدا را فراموش کرده و باور نمی‌کند، «أَتَمُّكُمْ عَقْلاً وَ أَشَدُّكُمْ لِلَّهِ خَوْفاً وَ أَحْسَنُكُمْ فِيمَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ نَهَى عَنْهُ نَظْراً»، احسن شما برآنچه که خدا بر آن امر و نهی کرده «وَ إِنْ كَانَ أَفَلَّكُمْ تَطَوُّعاً»، ولو اینکه از جهت تنوع اقل باشد، بعد در دنباله‌اش دارد «مَنْ كَانَ أَمَّ عَقْلاً، كَانَ أَحْسَنُ عَمَلًا»، نتیجه این است که در این روایت «حسن العمل» را به تمامیت عقل تفسیر کرده پیامبر اکرم، و تمامیت عقل را به همین شدت خوف و اطاعت برآنچه که خدا امر کرده و اجتناب از آنچه که خدا نهی کرده.

پس ببینید باز عملاً می‌رود روی همین دایره، «احسن عملاً» روی آن امور ظاهری اینها نیست، بگوئیم که حالا در این کار معمولی چه کسی بهتر از دیگری انجام می‌دهد و بعد هم بیائیم بگوئیم «لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» □ «أَحْسَنُ عَمَلًا» ارتباطی به این ندارد، این هم روایت دوم.

وصیت پیامبر(ص) به عبدالله بن مسعود: احسن عملاً کسی است که در دنیا زاهد تر از همه باشد

3. روایت دیگر روایتی است که در همین بحار الانوار جلد 74 صفحه 94 باب پنجم وصیه النبی؛ پیامبر (ص) يك وصیته به عبدالله بن مسعود دارند، در آنجا عبدالله بن مسعود می‌گوید من و پنج نفر از اصحاب يك روزي رفتیم محضر پیامبر «وَ قَدْ أَصَابَنَا مَجَاعَةٌ شَدِيدَةٌ»، زیاد گرسنه بودیم «وَ لَمْ يَكُنْ دُقْنَا مِنْذُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ إِلَّا الْمَاءَ وَ اللَّبَنَ وَ وَرَقَ الشَّجَرِ»، چهار ماه چیزی نخورده بودیم إلا آب و شیر و برگ درخت، «قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِلَى مَتَى نَحْنُ عَلَى هَذِهِ الْمَجَاعَةِ الشَّدِيدَةِ» تا چه زمانی باید اینقدر گرسنه باشیم، فرمود «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَزَالُونَ فِيهَا مَا عِشْتُمْ فَأَحْدِثُوا لِلَّهِ شُكْرًا»، پیامبر فرمود انسان مادامی که در دنیا است، مادامی که داریم زندگی می‌کنیم اوضاع همینطور است، سیری، گرسنگی هست، مشکلات هست، بعد فرمود «يَا ابْنَ مَسْعُودٍ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا يَعْنِي أَيُّكُمْ أَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا»، کی زهدش در دنیا بیشتر است، «إِنَّهَا دَارُ الْغُرُورِ وَ دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ وَ لَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ إِنْ أَحْمَقَ النَّاسُ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا» فرمود دنیا دار فریب است و دار کسی است که اینجا خودش پایگاهی ندارد و باید برود و برای این دنیا جمع می‌کند آن کسی که عقل ندارد، «إِنْ أَحْمَقَ النَّاسُ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا»، احمق ترین مردم کسی است که دنیا طلب باشد.

باز در اینجا بحث را آوردند روی زهد، زهد هم در همان دایره‌ی بندگی خدا، دوری از دنیا و قرب به خداست، انسان هر چه بخواهد به خدا نزدیک شود باید از دنیا دور شود، نمی‌شود انسان به دنیا نزدیک باشد و بگوید من می‌خواهم به خدا هم نزدیک باشم، این نمی‌شود. هر چه انسان بخواهد به خدا نزدیک بشود، باید از دنیا فاصله بگیرد و فاصله‌ی خودش را با دنیا زیاد کند، این هم در اینجا این معنا.

امیر المومنین(ع): با اعمال حسن(بندگی و عبادت خدا) از دیگران سبقت بگیرید تا همسایه اولیای خدا در خانه خدا باشید

4. يك كلامي را امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه دارند در خطبه‌ی 183 که فرمود: «وَ إِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فَبَادِرُوا بِأَعْمَالِكُمْ تَكُونُوا مَعَ جِبْرِانِ اللَّهِ فِي دَارِهِ رَافِقَ بِهِمْ رَسُولُهُ وَ أَزَارَهُمْ مَلَائِكَتُهُ وَ أَكْرَمَ أَسْمَاعُهُمْ أَنْ تَسْمَعَ حَسِيسَ نَارٍ أَبَدًا وَ صَانَ أَجْسَادَهُمْ أَنْ تَلْقَى لُغُوبًا وَ نَصَبًا ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ أَقُولُ مَا تَسْمَعُونَ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى نَفْسِي وَ أَنْفُسِكُمْ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» «وَ إِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» خدای تبارک و تعالی اراده کرده که شما را امتحان کند که چه کسی «أَحْسَنُ عَمَلًا» بشود، «فَبَادِرُوا بِأَعْمَالِكُمْ تَكُونُوا مَعَ جِبْرِانِ اللَّهِ فِي دَارِهِ»، به وسیله اعمالتان سبقت بگیرید تا با جبران خدا در دار خدا باشید، همسایگان خدا در خانه‌ی خدا، که همسایگان خدا مراد انبیاء و اولیاء و صدیقین و شهدا هستند، «رَافِقَ بِهِمْ رَسُولُهُ»، خدا با این جبران رسل را همراه ساخته، یعنی رسل را در میان جبران قرار داده «وَ أَزَارَهُمْ مَلَائِكَتُهُ»، این جبران، این خصوصیت دارد که ملائکه به زیارت آنها می‌روند، آنها را به زیارت فرستاده «وَ أَكْرَمَ أَسْمَاعَهُمْ أَنْ تَسْمَعَ حَسِيسَ نَارٍ أَبَدًا»، گوشه‌ای آنها را از صدای آتش جهنم منع کرده، یعنی طوری قرار داده که در جایی زندگی میکنند که صدای آتش جهنم را نشنوند، که کشف از این می‌کند که خود نار جهنم صدای مخوفی دارد، برخلاف نار دنیاست و از

بعضی از کلمات دیگر هم شاید این معنا استفاده شود که خود نار جهنم يك صداي مهیبي دارد، به طوري که اهل قیامت، اهل محشر، کثیری از آنها متوجه می‌شوند، آن وقت می‌فرماید اگر کسی «أَحْسَنُ عَمَلًا» شد این همراه با جیران خدا قرار می‌گیرد به طوري که حتي صداي ضعیفی از نار جهنم هم به گوش او نرسد «وَصَانَ أَجْسَادَهُمْ أَنْ تَلْقَى لُغُوبًا وَ نَصَبًا»، خدای تبارک و تعالی اجساد اینها را محفوظ قرار داده از اینکه خستگی را بخواهند ملاقات کنند «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» □

بالآخره «أَحْسَنُ عَمَلًا» از این کلام امیرالمؤمنین هم استفاده می‌شود که باید يك عملی باشد که در رابطه با بندگی و عبادت خدا باشد به طوري که انسان را در زمره‌ی جیران خدا قرار بدهد، این بعضی از روایاتی که در ذیل این آیه شریفه بود.

نتیجه گیری از فراز اول آیه دوم سوره مبارکه ملک: «أَحْسَنُ عَمَلًا» در دایره ی زهد، عبادت و بندگی است

پس ما از خود آیه شریفه استفاده کردیم به انضمام بعضی از آیات دیگر قرآن که «أَحْسَنُ عَمَلًا» در همین دایره ی زهد و عبادت و بندگی است، در دایره‌ی تقوا و ورع از محارم الله است، این روایات هم به خوبی دلالت بر این معنا دارد.

بررسی فراز پایانی آیه دوم (و هو العزيز الغفور)؛ عزیز کسی است که او را نمی‌توانند با بدی‌ها مغلوب کنند و غفور کسی است که توبه‌بندگان گناهکار را می‌بخشد

در آخر آیه می‌فرماید «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ»، عزیز را معنا کردند «أَيُّ الْغَالِبِ الَّذِي لَا يَغْلِبُهُ شَيْءٌ» «وَلَا يَعْجِزُهُ مِنْ أَسَاءِ الْعَمَلِ»، عزیز یعنی آن موجودی که کسی نمی‌تواند با بدی‌اش او را مغلوب و آرام کند و غفور خدای تبارک و تعالی «الْغَفُورُ لِمَنْ تَابَ مِنْ أَهْلِ الْإِسَاءَةِ» مرحوم آقای طباطبائی قدس سره می‌فرمایند «فَهُوَ الْعَزِيزُ لِأَنَّ الْمَلِكَ وَالْقُدْرَةَ الْمَطْلُوقِينَ لَهُ وَحْدَهُ فَلَا يَغْلِبُهُ غَالِبٌ وَ مَا أَقْدَرُ أَحَدًا عَلَى مَخَالَفَتِهِ إِلَّا بِلَاءٌ وَ امْتِحَانٌ»، خدا هیچ کسی را قادر در مخالفت با خودش قرار نداده، مگر اینکه به عنوان بلا و امتحان ...،

نکته مهم در فراز پایانی آیه: انسان در مسیر امتحان و بلا نمی‌تواند راهی را انتخاب کند که بر خدا غلبه پیدا کند زیرا خدا عزیز است اما در عین حال غفور نیز هست

نکته‌ی اصلی این است که بالأخره ما در راه این ابتلا باید به این نکته توجه داشته باشیم که ما نمی‌توانیم بر خدا غلبه کنیم، در ابتلا و امتحان راهی را نمی‌توانیم طی کنیم که ما غلبه کنیم بر خدای تبارک و تعالی، امکان ندارد، از آن طرف بالأخره امتحان جای لغزش است، جای اشتباه است، جای سقوط است، فیض خدای تبارک و تعالی اقتضا می‌کند و غفوریتش اقتضا می‌کند که این انسان را ببخشد و الا اگر انسان با يك امتحان بخواهد از دایره خارج شود این مطابق با لطف و غفوریت خدا نیست، خدا می‌فرماید ما برای شما امتحان قرار دادیم آن هم این است که «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلٍ»، کدامیک از شما «أَحْسَنُ عَمَلٍ» هستید اما بدانید «وَهُوَ الْعَزِيزُ»، کسی نمی‌تواند بر او غلبه کند، اما غفور هم هست، این راجع به این آیه‌ی شریفه. این دومین آیه سوره ملک بود که بحثش تمام شد.

بررسی باب چهارم از جلد ششم کتاب بحار الانوار؛ شش آیه مربوط به حب لقاء الهی و مذمت فرار از موت

آیات دیگری که می‌خواهیم شروع کنیم، در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مرحوم مجلسی عنوانی که به این آیات داده، آیات «باب 4- حب لقاء الله و ذم الفرار من الموت»، عنوان این است، در باب چهارم از همان جزء ششم بحار الانوار. در اینجا شش آیه ایشان عنوان کرده، آیات اول تا سوم این سه آیه شریفه است، آیه 94 تا 96 سوره بقره، من آیه را قرائت می‌کنم که آقایان روی آن تأمل کنند. «الآیات»

1. «البقرة: قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَلَنْ يَمَتُّوهُ

أَبْدَأُ بِمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ وَ لَتَجِدَنَّاهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزٍ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

2. آل عمران: وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ و قال تعالى الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

3. النساء: أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ

4. يونس: إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنُّوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

5. الأحزاب: قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

6. الجمعة: قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ لَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَ لَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بما قَدَّمْتُ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»

اینها تمی نمی کنند، آنچه که جلوی تمی را گرفته چه چیزی هست؟ «بما قَدَّمْتُ أَيْدِيهِمْ» ، با آن گناهانی که اینها انجام دادند، «وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» ، بحث این آیه را در هفته آینده مطرح خواهیم کرد.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ